

سیرِ پی‌خردی در مکتب سلفی



نویسنده

محمد باقر پورامینی

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

www.ketab.ir

سروشنامه: پورامینی، محمد باقر
عنوان و نام پدیدآور: سیرابی خردی در مکتب سنّی
مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۵۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۱-۵۳۱-۸۶۳-۳
وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.niaj.ir> قابل دسترسی است
یادداشت: کتابنامه
شماره کتاب شناسی ملی: ۳۸۲۰۱۴۹



سیرپی خریدی در مکتب سلفی

نویسنده: محمد باقر پورامینی صفحه: ۱۴۹
طراح جلد: اکبرزاده تاشی دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها) قیمت: ۵۷۰ تومان شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۸۳۲-۳

مرکز بحوث:

[illegible]

info@ketabroom.ir کتابخانه ketabroom.ir ایستگاه استندبک

مقدمه.....	۷
------------	---

فصل اول: اصحاب حدیث

الف. اصول فکری اصحاب حدیث.....	۱۳
ب. تدوین متون روایی و اعتقادنامه‌ها.....	۱۶
ج. جغرافیای مذهبی اصحاب حدیث.....	۱۸
د. همانندی یا تفکر حشویه.....	۱۸
ه. ترویج اسلام اموی.....	۲۲

فصل دوم: مدرسه بغدادی احمد بن حنبل

الف. حیات و افکار ابن حنبل.....	۲۷
ب. شاگردان و پیروان ابن حنبل.....	۳۰
ج. رشد حنبلی‌گری افراطی.....	۳۱
۱. ابو محمد برهاری.....	۳۳
۲. ابن طه عکبری.....	۳۸

فصل سوم: افول سلفی‌گری و رشد اشعری‌گری

الف. حنابله بغداد و مذاهب رقیب.....	۴۳
ب. جایگزینی اندیشه اشعری.....	۴۷
ج. اشاعره و حمایت حاکمان شافعی.....	۵۰
د. نظامیه‌ها و درگیری‌های اشاعره و حنابله.....	۵۲
ه. تلاش بر تفکیک حنابله از ابن حنبل.....	۵۴

فصل چهارم: مدرسه دمشقی ابن تیمیه

الف. استقرار مکتب حنبلی در دمشق.....	۵۷
ب. زندگی و افکار ابن تیمیه حرانی.....	۵۹
ج. دوران شاگردان ابن تیمیه.....	۶۵
۱. ابن قیّم جوزیه.....	۶۶
۲. ابن کثیر دمشقی.....	۶۸
د. چهار قرن افول.....	۶۸

فصل پنجم: مدرسه نجدی ابن عبدالوهاب

الف. پیدایی محمد بن عبدالوهاب.....	۷۲
ب. هم‌پیمانی با ابن سعود.....	۷۵
ج. فراز تا فرود فتنه.....	۷۶
د. دوران جدید حکومت خاندان سعود.....	۷۸
ه. شکل‌گیری و انحلال الاخوان.....	۷۹
و. سلفیان وهابی معاصر.....	۸۲
۱. وهابیان درباری.....	۸۳
۱.۱. چهره‌های شاخص وهابی.....	۸۳
۱.۱.۱. عبدالعزیز بن باز.....	۸۳

۱،۱،۲	محمد بن صالح العثيمين	۸۴
۱،۱،۳	محمد ناصرالدين الالباني	۸۵
۱،۱،۴	عبدالله بن حبرين	۸۶
۱،۲	جريان جاميه	۸۶
۱،۳	مجموعه هاى مذهبى	۸۷
۱،۳،۱	هيئت كبار العلماء	۸۷
۱،۳،۲	اللجنة الدائمة للبحوث العلميه والإفتاء	۸۷
۱،۳،۳	الهيئه الامر بالمعروف والنهي عن المنكر	۸۸
۱،۳،۴	رابطة العالم الإسلامى	۸۸
۱،۳،۵	الرئاسة العامة لشؤون المسجد الحرام والمسجد النبوى	۸۸
۲	وهابيان در سايه	۸۹
۲،۱	جريان جهيمان	۸۹
۲،۲	جريان قطي	۹۰
۲،۳	جريان سرورى	۹۲
۲،۴	جريان تكفيرى (جهادى)	۹۳
ز.	جغرافياى سلفيان وهابى	۹۳
۱	سلفى گرى وهابى در يمن	۹۴
۲	سلفى گرى وهابى در افغانى	۹۶
۳	سلفى گرى وهابى در پاکستان	۹۷
۴	سلفى گرى وهابى در مصر	۹۸
۵	سلفى گرى وهابى شام	۹۸
۶	سلفى گرى وهابى عراق (داعش)	۹۹
	فصل ششم: سلفى گرى در هند	
الف.	از شاه ولي الله تا شاه عبدالعزيز دهلوى	۱۰۳
ب.	پيداىي جنبش ديوبنديه	۱۰۵
ج.	مخالفت بريلوى يا ديوبندى و وهابيت	۱۰۸
	فصل هفتم: سلفى گرى در مصر	
الف.	عبده و نقد وهابيت	۱۱۳
ب.	رشيد رضا در خدمت وهابيت	۱۱۶
ج.	حسن البنا و شكل گيرى سلفى گرى اخوانى	۱۱۹
د.	سيد قطب و سلفى گرى جهادى	۱۳۱
ه.	سلفى گرى افراطى	۱۳۴
	فصل هشتم: نتيجه گيرى	
	نتيجه گيرى	۱۳۷
	منابع و مأخذ	۱۳۹
	مطبوعات	۱۳۹
	سايت ها	۱۳۹

مقدمه

سلفی‌گری گرچه با اهل حدیث و حنابله قرابت دارد، اما این اصطلاح با تکیه بر باور این تیمیه، در دو سده اخیر ظهور و بروز یافته و در عرصه باور و رفتار جمعی از فعالان امت اسلامی طرح شده است. این جریان در نجد، شبه قاره هند و مصر پیروانی یافت، با این باور که جامعه با پایبندی به عقاید سلف باید مجد خود را بازیابد.

«سلف» به معنای گذشته، پیشین و قبل است^۱ و در اصطلاح، سلف همان صحابه پیامبر ﷺ، تابعین، تابعین تابعین و عالمان سه قرن نخست است.^۲ سلفی نیز کسی است که بر مذهب سلف باشد^۳ و از راه و حرکتشان در زمینه ایمان و اعتقاد، پیروی کند.^۴

در نگاه مروجان سلفی‌گری، سه قرن نخست به دلیل زیستن سلف صالح در آن عصر، بهترین دوره تلقی می‌شود. تأکید بر مرجعیت سلف و محال بودن ضلالت و گمراهی آنان با استناد به حدیث خیره^۵ با واقعیت‌های تاریخی و شدت اختلافات حاکم و جاری در عصر سلف، در تعارض است؛ فرای از تشنّت در امور اعتقادی و فقهی و شکل‌گیری مذاهب مختلف و مکاتب کلامی متضاد، جنگ‌ها و دشمنی‌های سه قرن نخست، محوریت سلف را زیر سؤال می‌برد و ترجیح برخی نیز موضوعیت نخواهد داشت.

سلفی‌گری مکتبی است که با توجه به گستردگی و پراکندگی موجود در

۱. أحمد بن فارس، مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۵.

۲. بوطی، السلفیة مرحلة زمنية، ص ۹.

۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۱.

۴. الانساب، ج ۷، ص ۱۶۸.

۵. حدیث منسوب به پیامبر ﷺ بدین قرار است: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ». بهترین مردم هم‌نسل من هستند؛ سپس آنان که در پی ایشان می‌آیند؛ سپس آنان که در پی این گروه می‌آیند... (بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۵۱؛ ج ۷، صص ۱۷۴ و ۲۲۴) این روایت مبدأ ارزش‌گذاری جمعی است که سلفیان آنان را الگوی خود ساخته و حیات مذهب خویش را مرهون ایشان می‌دانند.

طیف‌های آن، با ناهمگونی و حتی تضاد در اندیشه همراه است و سخن گفتن از یک دستگاه واحد برای تفکر سلفی، بخصوص در باب سلفیان معاصر، امری مشکل است. از این روزمانی که از مکتب سلفی یاد می‌شود، آراء و عقاید آنان و رویکردی که سلفیان در اثبات تعالیم دینی و نقد آراء معارض دارند، مدنظر است؛ به گونه‌ای که ایشان را با وجود تهافت و ناپیوستگی در اندیشه، به استخدام بحث‌های کلامی^۱ می‌کشاند، هرچند که به ظاهر علم کلام از سوی پیشوایان سلفیان مذموم شمرده می‌شود.

در مکتب سلفی عقل و استدلال، مورد قبول نیست؛ عقل در نگاه آنان تعریف مشخصی ندارد و گاه لفظ «عقل» را ساخته متکلمان و فلاسفه می‌دانند،^۲ اما در مقابل این نظر، مکاتب اسلامی عقل^۳ را به معنای توانایی تفکر و اندیشیدن تعریف کرده، آن را قوه‌ای دانسته‌اند که انسان به وسیله آن می‌تواند حقایق و امور کلی را بشناسد.^۴

عقل‌ستیزی سلفیان، این باور را ترویج کرده که هیچ نصی درباره عقل نیامده

۱. مسائل کلامی لزوماً مطلق مسائل عقلی نیست و اموری که در حوزه دینیات و عقاید قرار دارد را می‌توان مسائل کلامی شمرد. (اصفهانی، نه‌ایه الدرایه، ج ۳، ص ۱۳)

۲. فالح، معجم الفاظ العقیده، ص ۲۸۴.

۳. عقل از عقل البعیر است. عقل البعیر ریسمانی است که بازوان عقرا می‌بندند تا در جای خود بماند. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که «عقل» را عقل نامیدند؛ زیرا «الو» شهرت و غضب را عقل و از سرکشی آن جلوگیری می‌کند. (حرانی، تحف العقول، ص ۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۷)

در نگاه این منظور «وقتی زبان کسی محبوس گردیده و از سخن گفتن بازداشته شود، می‌گویند: قد اعتقل لسانه، بنابراین عقل را عقل نامیده‌اند؛ زیرا که دارنده خود را از فرو غلطیدن به مهلکه‌ها باز می‌دارد.» (لسان العرب، ج ۱، ص ۴۵۸)

۴. دینانی، ماجرای فکر فلسفی، ج ۱، صص ۴۲۵ - ۴۲۷. اکثر متکلمان عقل را به علم تعریف کرده که اگر این علوم در فردی جمع شود، استدلال و نظر برای وی امکان‌پذیر می‌گردد. (سمیع دغیم، موسوعة مصطلحات علم الکلام الاسلامی، ج ۱، صص ۷۹۴ - ۷۹۸)

۵. ویژگی مدرک کلیات بودن سبب می‌شود که انسان از حیوان ممتاز شده و فهم عقلانی مساوی با ادراک مفاهیم کلی تلقی شود. در برابر مدرک کلیات بودن عقل، حس و خیال قرار دارد که مدرک جزئیات است. (اسفان، ج ۳، صص ۳۶۰ - ۳۶۲؛ شرح منظومه سبزواری، ص ۸۹)

است^۱ و عقل به کار رفته در قرآن همان قلب است.^۲ آنان حتی احادیث وارده
 در باب عقل را نیز موضوع و کذب می‌دانند^۳ و مدعی‌اند هر کس عقل عملی و
 علمی^۴ را بر عقل مقدم دارد، همسان ابلیس است.^۵ بدیهی این رویکرد مکتب
 سلفی را به نماد خردستیزی و بی‌خردی در تفکر اسلامی تبدیل می‌سازد.
 مقاومت در برابر ورود عقل به عرصه دین و بی‌خردی آنان در اندیشه و رفتار،
 ریشه در جمود مکتب سلفی دارد، رویکردی که در تضاد با قرآن و حدیث است؛
 زیرا قرآن، انسان‌ها را به تدبیر و تعقل امر کرده، عقل را موهبتی الهی می‌داند
 که آدمی را به سوی حق و حقیقت هدایت می‌کند و او را از ضلالت و گمراهی
 نجات می‌دهد.^۶ قرآن ضمن نفی پیروی از گمان و هوای نفس،^۷ تفکر و تعقل را
 عامل بازدارنده می‌شمارد.^۸ در روایات نیز عقل به عنوان بنیان دین،^۹ پیک الهی^{۱۰}
 و «حجت باطنی»^{۱۱} شمرده شده،^{۱۲} قوه‌ای است که معیار تکلیف و ملاک امتیاز
 انسان از حیوان است.^{۱۳} به این معنا که انسان به وسیله عقل برهانی^{۱۴} قابلیت رشد و
 شکوفایی و استعداد رسیدن به کمالات انسانی را پیدا می‌کند.^{۱۵}

۱. معجم الفاظ العقیده، ص ۲۸۴.
۲. کثانی، جدل العقل والنقل فی مناهج التفكير الاسلامی، صص ۴۶۷-۴۷۰.
۳. جدل العقل والنقل فی مناهج التفكير الاسلامی، ص ۴۷۱.
۴. عقل نظری مسئول جزم، تعلیل، تبیین و تحریر احکام و عقل عملی عهده‌دار عزم و اجرای آن است.
 (جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۲۲)
۵. العنیمین، تفسیر سوره ص، ص ۲۴۸.
۶. المیزان، ج ۵، صص ۲۵۴-۲۵۶.
۷. سوره یوسف، آیه ۵۳.
۸. رک: مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۱، ص ۳۰.
۹. پیامبر ﷺ: «العقل اصل دینی» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷۳)
۱۰. امام علی علیه السلام: «العقل رسول الحق» (کافی، ج ۱، ص ۱۶)
۱۱. تحف العقول، ص ۳۸۶.
۱۲. استدلال در عقل برهانی، بر بدیهیات مبتنی است و بدیهیات به استدلال نیاز ندارد، بلکه به صورت
 حضوری، نزد نفس وجود دارد؛ زیرا استدلال طریق است و موضوعیت ندارد و به وسیله آن امری برای کسی
 اثبات می‌شود، بنابراین قضیه «حکم عقل حجیت دارد و حجیت آن ذاتی است و با واقع مطابق است» در
 نفس انسان حضور دارد و به استدلال نیاز ندارد. (علیدوست، فقه و عقل، صص ۲۰۲-۲۰۳)
۱۳. آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۷.

مکتب سلفی دوره‌ها و بخش‌های منقطع تاریخی داشته است؛ به جز دوران نخست معماران سلفی‌گری که بر فراز و فرود اصحاب حدیث در قرن‌های ۳ تا ۵ هجری قمری تکیه دارد، باید از نقش محوری احمد بن حنبل و شاگردان و پیروان او در پیدایی و ترویج این مکتب در بغداد یاد کرد. در مقطع بعد از برآمدن این مکتب در مدرسه ابن تیمیه در دمشق اشاره دارد. جریان سلفیه در دوره معاصر، با محوریت دیدگاه ابن تیمیه، در نجد، شبه قاره هند و مصر مطرح گردید. در این نوشتار سیرتطور مکتب سلفی با محوریت خردستیزی در ساحت اندیشه و بی‌خردی در ساحت عمل، در هفت فصل با تمرکز بر سلفیان وهابی دنبال می‌شود.

محمد باقر پورامینی

www.ketab.ir